

هدف کلی

آشنایی با جایگاه و نقش ابن سینا و شیخ اشراق در تاریخ فلسفه اسلامی

اهداف جزئی

آشنایی با گوشه هایی از زندگی ابن سینا

شناخت آثار مهم ابن سینا

آشنایی با دیدگاه ابن سینا در طبیعت شناسی

شناخت تفاوت نظر شیخ اشراق با ابن سینا در فلسفه

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزده

سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹



دوره میانی

- ۱- ابن سینا در مشرق زمین به چه القاب با شکوهی شهرت دارد ؟
- ۲- ابن سینا در اروپا با چه القابی معرفی شده است؟
- ۳- مختصری از زندگی نامه ابن سینا را شرح دهید؟

شیخ الرئيس فلسفه

۱) حسین بن عبدالله بن سینا که در مشرق زمین به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا» و با القاب باشکوه «شیخ الرئيس» و «حجة الحق» شهرت دارد (در اروپا او را «اویسنا» و «اویسن» و «شاهزاده اطبا» می نامند، از داناترین و پراوازه ترین حکما و دانشمندان ایرانی و از مشاهیر علم و حکمت در جهان به شمار می آید) ۲

۳) ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری در یکی از روستاهای بخارا متولد شد. این فیلسوف در زندگی نامه ای که برای شاگرد وفادار خود، ابو عبید جوز جانی، نگاشته مراحل رشد علمی و فلسفی خود را توضیح داده است. در این زندگی نامه آمده است که پدر ابن سینا وی را در همان کودکی به معلم قرآن و ادب می سپارد و او چنان در آموختن پیش می رود که مردم از میزان دانش وی در ده سالگی در تعجب بوده اند. ۳

ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد ابو عبدالله ناتلی بود اما به سرعت بر معلم خویش پیشی گرفت؛ به گونه ای که قسمت های دشوار کتاب را برای استاد خود روشن می کرد.

۶) او از همان کودکی و نوجوانی چنان مطالعه می کرد و به آموختن علاقه نشان می داد که در شانزده سالگی بیشتر علوم زمان خود را در ریاضیات، منطق، فقه، فلسفه و طب فرا گرفت و دانشمند بزرگ زمان خود شد. ۶

نکته

- ۴- ابن سینا زندگی نامه ی خود را برای کدامین شاگردش نوشت ؟ ابو عبید جوز جانی
- ۵- ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد کدام استاد بود ؟ ابو عبدالله ناتلی
- ۶- چرا ابن سینا در شانزده سالگی بیشتر علوم زمان خود را فرا گرفت؟ ان علوم کدامند؟

۱. Avicenna.
۲. Avicenne.

نکته: دانش آموزان عزیز متن زیر را با دقت بخوانید



«نزد ناتلی شروع به خواندن باب «کلیات خمس» کردم. چون به تعریف جنس رسیدیم، چند سخن بر او ایراد نمودم که بسی به شگفت آمد و به پدرم گفت: البته او را به غیر از تحصیل، به کاری مشغول مساز. هر مسئله‌ای که ناتلی مطرح می‌کرد، می‌فهمیدم و بهتر از خود او آن را تصور می‌کردم.»



در سال ۴۲۵ هـ. ق سلطان مسعود غزنوی به اصفهان حمله کرد. ابن سینا که نزد علاءالدوله، حاکم اصفهان، احترام خاصی داشت، آهنگ همدان کرد. در مسافرت، بیماری قولنج وی عود کرد. ابن سینا احساس کرد که دیگر یارای مقابله با بیماری را ندارد. پس، به اطرافیان گفت: «تفسی که تدبیر بدن من بر عهده اوست، از تدبیر عاجز شده و دیگر درمان سودی ندارد.» چند روزی به این حال گذشت. او دارایی خود را به فقرا بخشید و روزها و شب‌ها قرآن می‌خواند و نماز و نیایش می‌کرد. سرانجام، در آیین تشییع و با اعتقاد و پارسایی کامل در سپیده دم روز جمعه اول رمضان ۴۲۸ دیده از جهان فروبست.

ابن سینا خود می‌گوید: «علم طب از علوم دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتیم... با این همه، از مناظره در علم فقه و آموختن آن فارغ نبودم. در آن زمان، شانزده سال از عمر من گذشته بود. پس، مدت یک سال و نیم دیگر نیز با جدیت به مطالعه پرداختم و بار دیگر منطق و سایر اجزای فلسفه را دوره کردم. در این مدت، روزها و شب‌ها را به مطالعه و طلب علم می‌گذراندم. هنگام مطالعه، هر مطلبی به نظرم می‌آمد، مقدمات آن را می‌نوشتیم، در آن نظر می‌کردم و شروط آن را منظور می‌داشتیم تا آنکه حقیقت آن بر من معلوم می‌شد. اگر در مسئله‌ای حیران می‌ماندم و بر حد وسط قیاس آن راه نمی‌بردم، به مسجد جامع می‌رفتم و نماز می‌گزاردم و نزد **مُبدع کل**، زاری و تضرع می‌کردم تا آنکه بر من آشکار می‌گردید و شب به خانه برمی‌گشتم و به قرائت و کتابت مشغول می‌شدم و چون خواب بر من غلبه می‌کرد یا ضعیفی در خود مشاهده می‌کردم، تجدید قوا می‌کردم و باز به قرائت مشغول می‌شدم و بسیار بود که در خواب همان مسائل بر من مکشوف می‌شد.»

درس

از این نقل مختصر از زندگی ابن سینا، چه نکاتی را می‌توان برداشت کرد؟

۱. **الگو گرفتن از همت و پشتکار وی**

۲. **توأم کردن دینداری و عقلانیت**

روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است. او این

روش را که ارسطو پایه‌گذاری کرد و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند.

۵ (ابن سینا فلسفه‌م‌شایی را به صورت مدون و نظام‌مند ارائه کرد.) ۵

۱- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی چگونه است؟ عقلی و استدلالی

۲- چه کسی پایه‌گذار روش عقلی و استدلالی در مسائلی فلسفی است؟ ارسطو

۳- چه کسی روش عقلی و استدلالی در مسائلی فلسفی را به اوج رساند؟ ابن سینا

۴- چه کسی فلسفه‌ی مشایی را به صورت مدون و نظام‌مند ارائه کرد؟ ابن سینا

۵- این سینا در رابطه با فلسفه‌ی مشایی چه کاری انجام داد؟

۱. ابن سینا کتاب «قانون» را که قرن‌ها در آسیا و اروپا کتاب درجه اول دانشگاهی در طب شمرده می‌شد، در ۱۶ سالگی نوشته است و این نشانه‌ی نبوغ شگفت‌انگیز وی بوده است.

۲. فلسفه‌م‌شاء، محمد ذبیحی، ص ۱۰ و ۱۱.

نکته

تالیفات

این سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پرمجرای خود بیش از دویست کتاب و رساله در شاخه‌های گوناگون علم و فلسفه نوشت که برخی از آنها قرن‌ها در مراکز علمی شرق و غرب تدریس شده‌اند و برخی امروز هم تدریس می‌شوند. کتاب‌های زیر از مهم‌ترین آثار او هستند:

1} **قانون:** که نوعی فرهنگ‌نامه پزشکی است، از معروف‌ترین آثار ابن سینا به‌شمار می‌رود و به زبان‌های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است.

2} **شفا:** این دایرةالمعارف عظیم علمی و فلسفی مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است. قسمت الهیات شفا که دربردارنده فلسفه ابن سیناست، کامل‌ترین مرجع حکمت مشائی است و هم‌اکنون نیز در حوزه‌های علمی و مراکز دانشگاهی از مهم‌ترین کتب فلسفی به حساب می‌آید.

3} **نجات:** شکل مختصر کتاب شفاست و به بیشتر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است.

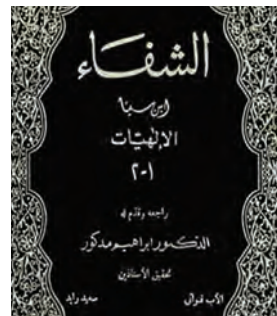
4} **انصاف:** دارای بیست جزء و شامل ۲۸ هزار مسئله بوده اما در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفته و تنها چند جزء آن باقی مانده است.

5} **اشارات و تنبیهات:** آخرین دیدگاه‌های ابن سینا در حکمت را شامل می‌شود.

6} **دانشنامه علایی:** به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است. این کتاب در اصفهان و برای علاءالدوله، حاکم آن شهر نوشته شده است. 1}



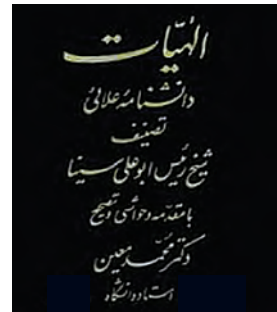
کتاب قانون



کتاب شفا



کتاب نجات



کتاب دانشنامه علایی

2- طبیعت از نظر ابن سینا چگونه است؟

طبیعت شناسی ابن سینا

- 2} (از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه‌ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد
- 3} و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.) 2
- 3} (علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزای این عالم، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم نیز به عنوان یک «کل»، طبع

3- علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» از نظر ابن سینا چیست؟ توضیح دهید؟

1- از نظر ابن سینا خداوند عالم طبیعت را چگونه به وجود آورده است؟

2- چرا این جهان از نظر ابن سینا بهترین نظام ممکن و احسن است؟

3- از نظر ابن سینا چه چیزی شیء را به سوی خیر و کمال سوق می دهد و شرط آن چیست؟

4- از نظر ابن سینا آیا شرور و بدی های موجود در طبیعت می توانند به کمال نهایی طبیعت کمک کنند؟ با ذکر مثال توضیح دهید

هر سو که دودیدیم همه روی تو دیدیم
هر جا که رسیدیم سرکوی تو دیدیم
هر سروان را که در این گلشن دهر است
بر رسته بستان و لب جوی تو دیدیم



سیره نویسان نوشته اند که ابن سینا با ابوسعید ابی الخیر، عارف نامی قرن پنجم دیدار نموده است. پس از این دیدار، از ابن سینا پرسیدند که شیخ را چگونه یافتی؟

ابن سینا گفت: هر چه من می دانم او می بیند.

از ابوسعید پرسیدند: بوعلی را چگونه یافتی؟

ابوسعید گفت: هر چه را ما می بینیم، او می داند.

برخی مورخان در این دیدار حضوری تردیدهایی کرده اند. لیکن آنچه گزارش شده، بیان وضعیت حال فیلسوف و عارف است.^۱

۱. شمس مغربی.

۲. فلسفه مشاء، محمد ذبیحی، ص ۴ و

دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۲۶.

و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.)^۳
۱ (خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده)^۱ ^۲ چون همه اجزای آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن را تحقق می بخشد)^۲

۳ (به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.)^۳ حتی (آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می بیند، حادثه ای ناگوار تلقی می شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می کند، می داند که پاییز نقش ویژه خود را در اعتدال طبیعت ایفا می کند.)^۴

۵ (ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن (که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود)، در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم) شیخ الرئیس می گوید:
۶ («ای ما می دانی پادشاه کیست؟ پادشاه راستین آن توانگر و بی نیاز مطلق است که هیچ چیز در هیچ چیز از او بی نیاز نیست. ذات هر چیزی از اوست؛ زیرا ذات هر چیز یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خداوند به وجود آورده است. پس، همه چیزهای دیگر بنده و مملوک اوست و او به هیچ چیز محتاج نیست»)^۶

۷ (از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وامی دارد و مصداق آیه شریفه «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ - تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند^۲ - می سازد.)^۷

۱. اشارات و تنبیهات، نمط ششم، تذنیب.

۲. فاطر، ۲۸.

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، سید حسین نصر، انتشارات دانشگاه تهران.

5- ابن سینا علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، از ما چه می خواهد؟

6- ابن سینا درباره ی مبدا کل جهان هستی و ارتباط او با جهان چه می گوید؟

7- از نظر ابن سینا تا چه چیزی دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؟ توضیح دهید

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه

دیدگاه ابن سینا دربارهٔ عالم طبیعت را مطالعه کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ چرا ابن سینا عالم طبیعت را هدفمند می‌داند و برای آن هدف و مقصد قائل است؟
دلیل ابن سینا این است که این عالم طبیعت مخلوق خداست و خداوند حکیم است و فعل او در نهایت حکمت و اتقان است و چون مخلوق خداست بهترین نظام و نظام احسن است

۲ چگونه ابن سینا طبیعت را یک مجموعهٔ دارای اعتدال و رو به کمال می‌داند، در عین حال که از اموری مانند مرگ، سیل، زلزله و نظایر آن هم آگاهی دارد؟ اعتماد ابن سینا به حکمت الهی است و براساس آن اموری مانند سیل و زلزله را تبیین می‌کند و می‌گوید که این امور حتماً جایگاهی در حکمت الهی دارد به عبارت دیگر، ساختار عالم طبیعت به گونه‌ای است که همین حوادث که به ظاهر سبب خرابی می‌شوند در نهایت به حرکت رو به کمال طبیعت کمک می‌کنند

۳ شهرت ابن سینا در طب و طبیعت‌شناسی کمتر از فلسفه نیست، پس، چرا نگاه او به طبیعت با نگاه کسی که فقط در زیست‌شناسی یا طبیعت‌شناسی تخصص دارد، متفاوت است؟ آیا این قبیل تفاوت‌ها را امروزه

هم می‌توان مشاهده کرد؟ ابن سینا بزرگترین دانشمند در علوم طبیعی بود و در عین حال صاحب یک فلسفه الهی قوی و متعالی نیز بود. دلیل آن هم بنیان‌های فلسفی درست ابن سینا است که میتواند میان ابعاد مختلف علمی وی هماهنگی به وجود آورد؛ مثلاً ابن سینا در عین قبول اصل تجربه برای رسیدن به علوم طبیعی، روش عقلی محض را هم قبول دارد و معتقد است که آن روش هم به نوبه خود دروازه ورود به شناخت جهان دیگر و شناخت خداوند و تأسیس یک الهیات قوی است

دانشمندان امروزی، از آنجا که بیشتر روش تجربی را تنها روش رسیدن به علم تلقی می‌کنند، این زمینه

برای آنها هست که به همین روش بسنده کنند و ابعاد متعالی وجود خود و جهان را نادیده بگیرند و به آن توجه نکنند یا کمتر توجه کنند

ابن سینا در داستان عرفانی - فلسفی «حی بن یقظان» آورده است:

«نیکویی وی پردهٔ نیکویی وی است و آشکار شدن وی سبب پنهان شدن وی است. چنان که آفتاب اگر چنداندکی پنهان شد، بسیار آشکارا شد و چون سخت پیدا شد، اندر پرده شد. پس، روشنی وی پردهٔ روشنی وی است.»
 مقصود ابن سینا از این عبارت چیست؟ آیا می‌توانید آن را توضیح دهید؟

ابن سینا در این عبارتها خداوند را توصیف می‌کند و عالیترین مفاهیم عرفانی را به کار می‌برد
 ابن سینا می‌گوید زیبایی خداوند آنقدر عظیم است که انسان به عنوان یک وجود محدود توانایی مشاهده آن زیبایی مطلق را ندارد. انسان زیبایی‌های محدود را می‌تواند مشاهده کند. از این رو خداوند را در جلوه‌ها و تجلی‌هایش می‌توانیم ببینیم

۱. قصهٔ حی بن یقظان اثر ابن سینا، ترجمهٔ ابوعبید جوزجانی، شاگرد وی، (فیلسوفان و عرفای دیگری هم قصه‌هایی با نام حی بن یقظان دارند).

- 1- مهم ترین کتاب سهروردی چه نام دارد؟ حکمه الاشراق
 2- سهروردی مهم ترین کتاب خود یعنی حکمه الاشراق را در کدامین دوره از زندگی خود نوشت؟



یکی از فقیهان عصر شیخ می گوید: «در کاروان سرایبی در ارض روم، هنگام زمستان فرود آمدم. آواز تلاوت قرآن شنیدم. به سرایدار گفتم: این کیست که تلاوت می کند؟

گفت: شهاب الدین سهروردی است.

گفتم: درباره او چیزهایی شنیده ام. می خواهم او را از نزدیک ملاقات کنم.

گفت: هیچ کس را نمی پذیرد، اما وقتی خورشید بالا می آید، از اتاق خارج می شود و کنار آن سکومی نشیند.

کنار سکو منتظر شدم تا آمد. برخاستم و سلام کردم. فهمید که قصد دیدارش را دارم. سجاده خود را گذاشت و نشست. با او سخن گفتم و او را در عالمی دیگر یافتم.»⁵

5- حکمت اشراقی چگونه حکمتی است توضیح دهید؟

6- فیلسوف اشراقی چگونه فیلسوفی است؟

حکیم اشراقی نکات

شیخ شهاب الدین سهروردی از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین، در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریه سهرورد زنجان دیده به جهان گشود. تحصیل خود را در مراغه آغاز کرد. پس از آن، به اصفهان رفت و با اندیشه های ابن سینا آشنایی کامل یافت. سپس، عزم سفر کرد و سفرهای خود را با سلوک معنوی و عرفانی در آمیخت و به مجاهدت با نفس مشغول شد (و اغلب ایام سال روزه داشت و در خلوت خود به ذکر و عبادت مشغول بود تا آنکه به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد. در همین دوره، مهم ترین کتاب خود «حکمة الاشراق» را نوشت و مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد. سهروردی در این کتاب از شیوه مشائیان فراتر می رود و حکمت اشراقی را پایه گذاری می کند.)²

3- سهروردی چگونه حکمت استدلالی ابن سینا را به کمال رساند؟

4- شیخ اشراق چگونه حکمت اشراق را پایه گذاری کرد؟

پایه گذار مکتب فلسفی اشراق

3) شیخ اشراقی به ابن سینا احترام می گذاشت و از او سپاسگزاری می کرد.

در عین حال، می کوشید حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند (و با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی، حکمتی نو، به نام «حکمت اشراق» را پایه گذاری کرد.)⁴

4) حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد. (فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.)⁶ (از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است

۱. طبقات الاطباء، نوشته ابن ابی اصیبه

۱. سهروردی از ایران به آنتولی و از آنجا به سوریه می رود و به شهر حلب وارد می شود. حاکم شهر حلب، ملک ظاهر، پسر صلاح الدین ایوبی (قهرمان جنگ های صلیبی) مقدم او را گرمای می دارد و تدریس در مدرسه حلاویه حلب را به او می سپارد. مباحث وی در عرفان و فلسفه مورد قبول برخی فقهای قشری عامه که تنها به ظواهر شریعت توجه داشته اند، واقع نمی شود. آنها از ملک ظاهر می خواهند که او را زندانی کند و به قتل برساند. ملک ظاهر که در باطن به شیخ ارادت می ورزد، چنین کاری را نمی پذیرد. فقیهان شکایت پیش پدرش، صلاح الدین، می برند و صلاح الدین دستور قتل سهروردی را صادر می کند. سرانجام، ملک ظاهر مخالف میل باطنی خود شیخ را در حلب زندانی می کند. شیخ در زندان و در ۳۶ یا ۳۸ سالگی از دنیا می رود. برخی گفته اند او را در زندان خفه کرده اند. برخی نیز گفته اند که وی را به دار آویخته اند. آنچه روشن است این است که روز جمعه آخر ذی الحجة الحرام سال ۵۸۷ حجازه او را از زندان بیرون آورده و به خاک سپرده اند.

7- سهروردی کدام شیوه ی تحقیق فلسفی و سیر و سلوک روحانی را گمراه کننده می داند؟

1- قطب‌الدین رازی درباره حکمت اشراق چه می‌گوید؟

2- چرا شیخ اشراق همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می‌کند؟

3- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را چه می‌نامد؟

4- از نظر شیخ اشراق اشیاء چگونه پدید آمده‌اند و تفاوت آنها در چیست؟

و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه‌کننده می‌باشد.⁷

1 (قطب‌الدین رازی یکی از پیروان اشراق می‌گوید: «حکمت اشراق، حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است. اشراق نیز عبارت است از کشف و شهود و این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده‌اند، زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است. این حکمت از آن روا اشراقی خوانده شده که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان‌های کامل به دست می‌آید.»)¹

5- از نظر سهروردی چه رابطه‌ای میان نورالانوار و افرینش سایر نورها و موجودات وجود دارد؟

6- مشرق و مغرب در فلسفه‌ی سهروردی چه معناهایی دارند؟

7- مشرق کامل و مغرب کامل و مغرب وسطی را از نظر سهروردی توضیح دهید؟

اشراق نور

- 2 (بر اساس بیانی که شیخ اشراق از مفهوم «اشراق» دارد، مفهوم «نور» را به جای مفهوم «وجود» وارد فرهنگ فلسفی خود می‌نماید و همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می‌کند.)
- 3 (شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می‌داند³ و او را «نورالانوار» می‌نامد⁴) اشیای دیگر از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده‌اند. پس، هر واقعیتهایی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه‌ای است از نور. پس، تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست. او می‌گوید:
- 5 («ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می‌کند و بدین ترتیب، متجلی می‌شود و همه چیزها را به وجود می‌آورد و با اشعه خود به آنها حیات می‌بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست و رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.»)⁵
- 6 (در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می‌کنند.)⁶ (مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره‌ای از نور ندارد. در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته‌اند.)⁷

۱. استاد مطهری می‌گوید: «تفاوت اصلی و جوهری روش اشراقی و مشایی در این است که در روش اشراقی برای تحقیق در مسائل فلسفی و مخصوصاً حکمت الهی، تنها استدلال و تفکرات عقلی کافی نیست، سلوک قلبی و مجاهدات نفس و تصفیه آن نیز برای کشف حقایق ضروری است و لازم است، اما در روش مشایی تکیه فقط بر استدلال است» (مجموعه آثار، ج ۵، ص ۱۴۱).

۲. شرح حکمة الاشراق، قطب‌الدین رازی، انتشارات حکمت، ص ۱۴.

۳. یادآور آیه ۳۵ سوره نور: «الله نور السماوات و الارض».

۴. حکمة الاشراق، سهروردی.

ذکر تفاوت‌ها

با توجه به آنچه از حکمت مشاء و اندیشه‌های فارابی و ابن‌سینا و نیز از حکمت اشراق و اندیشه شیخ اشراق بیان شد، دو تفاوت اصلی این دو حکمت را بیان کنید.

۱ همانطور که از کلمه «حکمت اشراق» بر می آید، شیخ اشراق، علاوه بر استدلال که محور فلسفه است توجهی به اشراقات معنوی و سلوک عرفانی هم کرده است. از نظر شیخ اشراق استدلال باید با سلوک معنوی همراه شود، در حالی که در فلسفه مشاء، به سلوک معنوی کمتر توجه می شود.

۲ همچنین، فلسفه مشاء بر محور مفهوم «وجود» است و از اصطلاح «نور» کمتر استفاده می کند. اما در حکمت اشراق، اصطلاح «نور» نقش محوری دارد و در مقابل آن، اصطلاح «ظلمت» را نیز به کار می برد. فلسفه مشاء از لحاظ تاریخی، متصل به فلسفه ارسطو و افلاطون است، اما شیخ اشراق می گوید که فلسفه خود را به حکمت ایران باستان منتسب کند.

1- سهروردی به چه کسانی حکیم متاله می گوید؟

دسته بندی جویندگان معرفت

سوال

سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می کند؛ آنها را نام ببرید؟

1 آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته‌اند و جویای آن‌اند؛

2 آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده‌اند ولی از ذوق و عرفان بهره‌ای ندارند؛

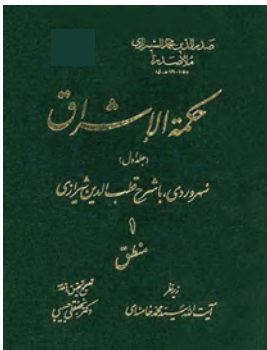
3 آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته‌اند؛

4 سرانجام، آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده‌اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته‌اند. اینان حکیم متاله‌اند و بهترین دسته به حساب می آیند. (شیخ اشراق درباره این گروه می نویسد:

2) «هرگاه اتفاق افتد که در زمانی حکیمی غرق در تاله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را ریاست تالمه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست... جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست... (بیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند) و البته (مراد من از این ریاست، ریاست از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاه باشد که امام تاله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهایی... [در هر حال] او راست ریاست تالمه، اگر چه در نهایت گمنامی باشد) و (چون ریاست واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی بس نورانی و درخشان شود و هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند)» 5

4- مراد سهروردی از ریاست برای امام تاله چگونه ریاستی است؟

5- از نظر سهروردی وقتی ریاست واقعی جهان به دست حکیم متاله افتد؟ جهان چگونه خواهد بود؟



حکمة الاشراق، مهم‌ترین اثر سهروردی و منبع اصلی حکمت اشراق است. این کتاب به زبان عربی است و در سال ۵۸۲ تألیف آن به پایان رسیده است. هانری کرین، فیلسوف بزرگ فرانسوی، برای نخستین بار متن حکمة الاشراق را تصحیح کرد و به چاپ رساند.

2- سهروردی خلیفه وجانشین خدا را چه کسی می داند؟

3- چرا از نظر سهروردی جهان هیچ گاه از خلیفه و جانشین خدا خالی نیست؟

۱ میان نام‌گذاری فلسفه سهروردی به «اشراق» و استفاده از مفهوم «نور» به جای «وجود» چه رابطه‌ای

هست؟ اشراق به معنی تابیدن و تابش است، همانطور که این کلمه برای طلوع خورشید هم به کار می‌رود و آن جهتی که خورشید طلوع می‌کند را «مشرق» می‌نامند. ابن سینا و فارابی که بیشتر از لفظ «وجود» استفاده می‌کنند، بیشتر از اصطلاحاتی مانند علت و معلول و نظایر آن استفاده می‌کنند؛ مثلاً خداوند را *علّة العلل* یا واجب الوجود می‌نامند. اما شیخ اشراق خداوند را «نورالانوار» نامیده است

۲ آیا فلسفه اشراق سهروردی از فلسفه خارج، و وارد عرفان شده یا همچنان فلسفه باقی مانده است؟

فلسفه سهروردی با اینکه از شهود عرفانی کمک می‌گیرد، اما از روش فلسفی و استدلالی خارج نمی‌شود. شهود برای شیخ اشراق فقط جنبه الهام بخشی دارد. ایشان هر موضوعی را که از طریق شهود دریافت کرده کوشش می‌کند که در قالب استدلال فلسفی ارائه دهد و از این طریق وارد فلسفه خود نماید

برای مطالعه بیشتر، علاوه بر منابع درس قبل، به منابع زیر مراجعه کنید.

- ۱ مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها در هزاره ابن سینا، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۵۹.
- ۲ فلسفه سهروردی، غلامحسین ابراهیمی دینانی، انتشارات حکمت.
- ۳ آموزش حکمت اشراق، سید یدالله یزدان پناه، انتشارات سمت.
- ۴ شرح حکمة الاشراق، قطب الدین رازی، انتشارات حکمت.
- ۵ تاریخ علوم عقلی، ذبیح‌الله صفا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶ سید حکیم مسلمان، سید حسین نصر، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷ راه اصفهان، ژیلبر سینیوئه، ترجمه مهدوی، نشر گفتار.
- ۸ رساله الطیر، ابن سینا، انتشارات الزهراء.